

عشایر جنوب

(عشایر فارس)

قشقایی، خمسه، کهگیلویه، ممسنی

نویسنده: م. س. ایوانف

مترجمان

کیوان پهلوان - معصومه داد

انتشارات آرون

ایوانف، میخائیل سرگی یویچ، ۱۹۰۹ - ۱۹۸۶ م. Ivanov, Mikhail Sergeevich

عشایر جنوب (عشایر فارس) قشقایی، خمسه، کهگیلویه، ممسنی / نویسنده م. س. ایوانف؛ مترجمان کیوان پهلوان، معصومه داد. - تهران: آرون، ۱۳۸۴.

ISBN 964-8900-16-7

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. ایلات و عشایر - ایران - فارس. الف. پهلوان، کیوان، ۱۳۳۹ -،

مترجم، ب. داد، معصومه، ۱۳۴۳ -، مترجم، ج. عنوان.

۹۵۵

DSR ۷۲ / ف ۹

۳۸۸۴۰ - ۸۴ م

کتابخانه ملی ایران

عشایر جنوب (عشایر فارس)

قشقایی، خمسه، کهگیلویه، ممسنی

نویسنده: م. س. ایوانف

مترجمان: کیوان پهلوان - معصومه داد

عکس روی جلد: محقق زحمتکش قشقایی

دکتر منوچهر کیانی

ناشر: انتشارات آرون

حروفچینی: نشر آرون

چاپ اول: ۱۳۸۵

چاپخانه حیدری: ۱۵۰۰ نسخه

۳۵۰۰ تومان

فهرست

مقدمه	۵
فصل اول : فارس (اطلاعات عمومی)	۲۱
فصل دوم : نژاد، مهاجرت و شغل عشایر فارس	۴۷
عشایر قشقایی	۴۸
عشایر خمسه	۹۵
عشایر کهگیلویه	۱۱۰
عشایر ممسنی	۱۴۸
فصل سوم : نظام اجتماعی - سیاسی و فرهنگ اقوام فارس	۱۵۷

- فصل چهارم: اقوام فارس در حیات سیاسی - اجتماعی ایران ۲۴۴
- فهرست تیره‌های عشایر قشقایی ۲۹۴
- فهرست تیره‌های عشایری اعراب خمسه ۲۹۷
- فهرست نام‌ها ۳۰۲
- فهرست اسامی جغرافیایی ۳۰۷
- فهرست اسامی تیره‌های عشایری ۳۱۳
- فهرست تیره‌های قومی قشقاییان، ارائه شده توسط کیهان،
بهمن بیگی، رزم‌آرا، فیلد و اولسن دو شوتن ۳۲۷

مقدمه

مطالعه اقوام کوچ‌نشین و نیمه کوچ‌نشین ایران، و از جمله عشایر فارس بسیار جالب است. این عشایر نقش بسیار مهمی را در تاریخ ایران ایفا کرده‌اند: رؤسای ایل‌های کوچ‌نشین (خوانین) با تکیه بر دستجات مسلح، اغلب شاهانی را که باب میلشان نبود سرنگون می‌کردند و دست‌نشانده‌گان خود را به تاج و تخت می‌رساندند و یا کاری می‌کردند که آنان به سمت حاکم و فرماندار منصوب شوند. در ایران امروزی اقوام، بخش اعظمی از جمعیت را تشکیل می‌دهد و جایگاه بسیار چشمگیری در زندگی اجتماعی - سیاسی کشور دارند.

آ. ویلسون در سال ۱۹۳۲ و او. داگلاس در سال ۱۹۵۰ اظهار داشتند که حدود یک چهارم جمعیت کل ایران را ایل‌ها تشکیل می‌دهند.^۱ پیش

I. A. Wilson. Persia. London, 1932, p. 68; W. Douglas. Strange lands and friendly people. London. 1952, p. 55.

از هر چیز چنین ارزیابی اعراف آمیز است. احتمالاً ایلات کوچ نشین و نیمه کوچ نشین ایران حدود سه میلیون نفر جمعیت دارند. دقیقاً همین رقم جمعیتی در آخرین و دهمین چاپ کتابچه راهنمای کشورهای آسیایی^۱ و برخی منتشره های دیگر آمده است.^۲

سفیر سابق ایران در هند، علی اصغر حکمت نیز در سال ۱۹۵۶ نوشت: گرچه در سال های گذشته جمعیت ایل های کوچ نشین و نیمه کوچ نشین ایران در ارتباط با تلاش های دولت به انتقال آنان به زندگی اسکان یافته روبه کاهش گذارده، ولی با این حال آنان بین دو تا سه میلیون نفر جمعیت دارند.^۳

عشایر کوچ نشین و نیمه کوچ نشین نقش مهمی در اقتصاد ایران ایفا می کردند. بخش اعظم دام کشور که قسمت بزرگی از درآمد ملی ایران را تشکیل می دهد، نزد ایلات کوچ نشین و نیمه کوچ نشین متمرکز شده است. آنان قالی که از اقلام مهم صادرات ایران می باشد و پارچه های پشمی و دیگر مصنوعات می بافند، پشم، گوشت، پوست، کره و دیگر فرآورده های دامی به شهرها می فرستند، کتیرا - گون رنگ و غیره جمع آوری می کنند.

در سال های جنگ جهانی اول، تنگستانی ها و دیگر اقوام فارس

1. «Asia. A Regional and Economic Geography by L. Dudley. Stamp». London, 1959, p. 177.
2. R. Patai. Nomadism Middle Eastern and Central Asian. «Southwestern journal of Anthropology», Albuquerque, 1951, vol. 7, N 4, p. 403.
3. Ali Asghar Hekmat. Some aspects of modern Iran. «Islamic culture», Hyderabad-Deccan, 1956, oct., vol. 30, N 4, p. 372.

علیه نیروهای اشغالگر انگلیس مبارزه می‌کردند. در سال‌های جنگ جهان دوم و سال‌های پس از جنگ، برخی از خوانین و رهبران ایلات فارس دسته‌های مسلح در اختیار داشتند و با نمایندگان محافل خارجی امپریالیستی مرتبط بودند.

مسئله خلع سلاح ایلات و تخته قاپو کردن آنان طی دهه‌های اخیر یکی از مسائل مبرم زندگی سیاست داخلی ایران بوده است.

بسیاری از مسائل مرتبط با اقوام ایرانی حائز اهمیت فراوان بوده و تاکنون کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است. در خصوص برخی از این مسائل هرازگاهی عقایدی ابراز می‌شود که نمی‌توان قبول داشت. یکی از این مسائل، مسئله نژاد و پیدایش عشایر در ایران است. از جمله پروفیسور تقی بهرامی، استاد دانشگاه تهران در کار ارزشمند و جالب خود «تاریخ کشاورزی ایران» می‌گوید که در دوران کهن پیش از حمله اسکندر مقدونی گویا کوچ‌نشینی در ایران وجود نداشته است. زندگی کوچ‌نشینی گویی در دوره اسکندر مقدونی پدید آمده است. بهرامی می‌گوید: زندگی کوچ‌نشینی (چادرنشینی) وسیله‌ای برای رهایی از فشارها و تضیقات، غارتگری و تجاوز به زنان بوده است. مردم با نجات جان و مال خویش از دست اشغالگران خارجی و سپس از دست فشارها و زورگویی‌های حکام، سر به کوه و دشت و بیابان زده و درون چادر زندگی می‌کردند تا دست کسی به آنها نرسد. ساسانیان در ایران نظم و امنیت را برقرار کردند و به زندگی کوچ‌نشینی که در زمان اسکندر مقدونیه پدیدار شده بود پایان دادند، اما در نتیجه فتح اعراب، شیوه زندگی کوچ‌نشینی دوباره احیا شد. فتوحات بعدی مغول‌ها و تیمور از نو منجر به فزونی تعداد کوچ‌نشینان بر آبادی نشینانی شد که شمارشان در آن زمان که از جنگ‌های ویرانگر و

اختلافات داخلی خبری نبود، افزایش یافته بود.^۱

البته روند افزایش با کاهش شمار کوچ‌نشینان از محل جمعیت آبادی‌نشین ایران بسته به شرایطی بود که در کشور شکل می‌گرفت. اما این نظریه بهرامی که در عهد باستان به‌طور کلی کوچ‌نشینی در ایران وجود نداشته و کوچ‌نشینی تنها به‌عنوان عکس‌العملی در برابر ظلم و فشار اشغالگران خارجی و حکام محلی و مقامات پدیدآمده، پایه و اساس نداشته و با واقعیات تاریخی مغایرت دارد. هرودوت می‌گوید که در همان قدیم در ایران کوچ‌نشینان وجود داشته‌اند: داعی‌ها، مردها، دروپیک‌ها و ساگارتی‌ها.^۲

همان‌طور که اف. انگلس در کتاب «پیدایش خانواده، مالکیت خصوصی و دولت» اشاره می‌کند، تفکیک شدن اقوام رمه‌بان یعنی کوچ‌نشینان نه مرتبط با فتوحات خارجی و ستم حکام و مقامات که نتیجه نخستین تقسیم کار بزرگ اجتماعی میان کشاورزی و دامداری بود.^۳ این مسئله را ک. مارکس نیز چنین بررسی کرده است. وی از ارتباط متقابل کلی میان یکجانشینی قسمتی از ملل شرق و کوچ‌نشینی ادامه‌دار در قسمت دیگر نوشته است.^۴ البته محققان همچنین باید اشاره کنند که پیدایش زندگی کوچ‌نشینی در کشورهای مختلف در گذشته دور مشخصاً چگونه اتفاق افتاده است.

۱. تقی بهرامی، تاریخ کشاورزی در ایران، تهران، ۱۳۳۰، ص ۲۰۳۰-۱۹۷.

۲. هرودوت، کتاب تاریخ، فصل ۱ (ص ۱۲۵)، ترجمه روسی، اف. میشنکو (مسکو ۱۸۸۸) جلد اول، ص ۶۹.

۳. مارکس و اف. انگلس، آثار منتخب، ج دوم، مسکو ۱۹۴۸، ص ۲۹۲ و ۲۹۳.

۴. ک. مارکس و اف. انگلس، تألیفات، جلد یازدهم، ص ۴۸۸.

در بررسی مسئله عشایر مسائل مهم و پیچیده دیگری نیز قد علم می‌کنند، مثلاً عللی که موجب حفظ کوچ‌نشینی و بقایای نظام ایلخانی - پدرسالاری کوچ‌نشینان شده، انتقال کوچ‌نشینان به زندگی اسکان یافته و مسائل و مشکلات مرتبط با آن و غیره.

آنچه در بالا گفته شد، اهمیت و تأیید مطالعه اقوام است، زیرا وضع اجتماعی - سیاسی آنان در ایران را در گذشته و حال روشن می‌کند. در این میان به مسئله اقوام ایرانی بسیار ضعیف پرداخته شده است. به خصوص اقوام فارس که نقش بسیار چشمگیری در تاریخ ایران از دیرباز تاکنون بازی می‌کنند، کمتر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. ادبیات علمی و غیره درباره اقوام فارس به زبان روسی بسیار فقیر است. در زبان‌های اروپای غربی نیز تحقیقات بزرگ و به خصوصی در این زمینه وجود ندارد.

تمامی این موارد، مؤلف را بر آن داشت تا به بررسی عشایر فارس بپردازد. با در نظر گرفتن کم‌کاری‌ها، پیچیدگی و دشواری موضوع مؤلف گمان نمی‌برد بتواند مسئله عشایر فارس را کاملاً شفاف کرده و به تمام سؤالاتی که پیش می‌آید پاسخ دهد. رسالت مؤلف در چارچوب مطالب و منابع در دسترس، تلاش در جهت شرح مختصر استان فارس، جایی که این عشایر زندگی می‌کنند، و بررسی مسئله پیدایش آنها و ساختار قومی، اسکان، شغل، فرهنگ مادی، ساختار اجتماعی - سیاسی، روابط خانوادگی، فرهنگ معنوی اقوام و نقش آنان در زندگی سیاسی - اجتماعی ایران است. در این میان، نویسنده این کار را در رابطه با همه اقوام پرشمار فارس غیرممکن دانسته، و تنها به بزرگترین و مهمترین آنها یعنی قشقایی‌ها، خمسه، کهگیلویه و ممسنی بسنده کرده است. از بین

این ایلات فقط قشقایی‌ها کم و بیش مفصل تشریح می‌شوند، چرا که اطلاعات مؤلف، منابع و ادبیات مربوط به قشقایی‌ها متنوع‌تر می‌باشد. درباره عشایر خمسه، درباره عشایر خمسه، کهگیلویه و ممسنی تنها اطلاعات اغلب ناقص و محدود از منابع و ادبیاتی ارائه می‌شود که در اختیار مؤلف قرار داشته است.

در فصل چهارم شرح کلی و مختصری درباره نقش عشایر فارس در زندگی سیاسی - اجتماعی ایران ارائه شده است. اطلاعات آورده شده در این فصل در خصوص عرض اندام قشقایی‌ها و دیگر ایلات فارس در زمان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸ و اواخر سال‌های ۲۰ و ۳۰ و نیز در سال ۱۹۴۶ ادعایی بر شرح و تقریر تفصیلی وقایع و تجزیه و تحلیل تخصصی آن نیست. این برآمدهای عشایر فارس سزاوار تحقیق و تفحص ویژه‌ای است.

منابع اساسی برای نگارنده، کارهای منتشر شده در ایران به زبان فارسی است که یا تمام و کمال به عشایر فارس اختصاص یافته و یا به‌طور مختصر بدانها مربوط می‌گردد، و نیز مطالب مطبوعات ایران، اطلاعات مقامات رسمی اروپایی، آمریکایی و روسی و سیاحانی که در زمان‌های مختلف در فارس اقامت داشته‌اند، مطالب مربوط به ایلات فارس، منتشره در آثار گروهی مختلف و کتابچه‌های راهنما، اطلاعات گردآوری شده توسط مؤلف در طول اقامتش در ایران در سال‌های ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۷ و به‌خصوص در طول سه سفری که در سال‌های ۱۹۴۴، ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ به فارس داشته است.

با ارزش‌ترین کار منتشره به زبان فارسی در مورد اقوام فارس، کتاب نسبتاً کوچک ۹۰ صفحه‌ای محمد بهمن بیگی به نام «عرف و عادت در

عشایر فارس» چاپ تهران در سال ۱۹۴۵ است.^۱ نویسنده کتاب خود از عشایر فارس بوده و به خوبی این عشایر و آداب و رسومشان را می شناسد. همان طور که وی در مقدمه می نویسد، تمام اطلاعات گزارش شده کتاب توسط او هنگام زندگی در میان ایل ها جمع آوری شده است. اهمیت و ارزش بسیار والای کار بهمن بیگی در همین امر نهفته است.^۲ کار ارزشمند دیگری که مشخصاً اختصاص به عشایر کهگیلویه دارد، کتاب «استان کهگیلویه و ایلات آن» از محمدباور، چاپ ۱۹۴۵ در گچساران است که در فهرست عناوین اشاره شده است.^۳

نویسنده در مقدمه گزارش می دهد که وی مدت مدیدی در کهگیلویه می زیسته و ارتباط تنگاتنگی با اقوام این منطقه داشته است و کتاب وی براساس موضوعاتی که در محل گردآوری کرده نوشته شده است، و اما در ارتباط با گذری بر تاریخ براساس منابع مختلف تاریخی بوده است. در ابتدا وی اطلاعاتی از ایلات کهگیلویه را جمع آوری کرده، بی آنکه قصد نوشتن کتابی درباره آنان را داشته باشد، اما وقایع سمیرم وی را بدین کار واداشته است. در کتاب م. باور استان کهگیلویه و مناطق و شهرهای آن توصیف شده و درباره گذشته تاریخی آن اطلاعاتی داده شده است. اطلاعات ارائه شده م. باور در مورد عشایر کهگیلویه گرچه اغلب جنبه موضوع خام و کمتر سیستماتیک دارد و فاقد هرگونه تجزیه

۱. محمد بهمن بیگی، عرف و عادت در عشایر فارس، تهران ۱۳۲۴، در ادامه بهمن بیگی.

۲. نگاه کنید به نقد مفصل ان. آ. کیسلیاکف بر کتاب م. بهمن بیگی، انثروگرافی شوروی ۱۹۴۶، شماره ۳، ص ۱۸۶ - ۱۸۳.

۳. در ادامه محمود باور، کهگیلویه و ایلات آن، گچساران، ۱۳۲۴.

و تحلیل می‌باشد. با این حال تنها اطلاعات کمابیش مفصل قابل دسترسی برای مؤلف کار حاضر می‌باشد. با این احتساب که ایلات کهگیلویه از آن دسته اقوام ایرانی هستند که کمتر شناخته و مطالعه شده است. کتاب م. باور علی‌رغم کمبودها، ارزش بسیاری از نظر موضوعات واقعی ارائه شده دارد.

اطلاعات بسیار مهم از ایلات فارس در کتاب دو جلدی «فارسنامه ناصری» میرزا حسن فسایی چاپ تهران، سال ۹۶ - ۱۸۹۵ گنجانده شده است.^۱

«فارسنامه» فسایی در سال ۸۷ - ۱۸۸۶ به پایان رسید و کامل‌ترین و مفصل‌ترین شرح‌نامه استان فارس نه تنها برای قرن ۱۹ که برای قرن حاضر می‌باشد. اطلاعات ذکر شده درباره عشایر فارس، جمعیت آنان و تقسیمات قومی تا حد زیادی منبع اطلاعاتی برای دومورینی، م. کیهان و دیگر مؤلفینی شد که درباره ایلات فارس نوشته‌اند.

مؤلف از اطلاعات قومی ارائه شده در کتاب سه جلدی مسعود کیهان^۲ «جغرافیای مفصل ایران» و جلد اختصاص یافته به فارس «جغرافیای نظامی ایران» نوشته علی رزم‌آرا استفاده کرده است.^۳ لازم به ذکر است که داده‌های علی رزم‌آرا در خصوص عشایر فارس تا حد زیادی رونوشت لغت به لغت صفحات کتاب م. کیهان است. فقط در رابطه با تعداد ایلات و تقسیمات قومی آنان، داده‌های رزم‌آرا در بعضی موارد از

۱. میرزا حسن فسایی، فارسنامه ناصری، تهران ۱۳۱۳.

۲. مسعود کیهان، جغرافیای مفصل ایران، ج ۱، ۲ و ۳، تهران ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱.

۳. علی رزم‌آرا، جغرافیای نظامی ایران، فارس، تهران ۱۳۲۳.

اطلاعات ارائه شده م. کیهان متفاوت است.

نویسنده برای تحریر فصلی مربوط به فارس از کتاب بهروزی به نام «شهر شیراز» چاپ سال ۱۹۵۵ شیراز استفاده نموده است.^۱ به علت فقدان هر گونه شرح نامه سیستماتیکی از فارس طی سالیان گذشته این کتاب اهمیت فراوان دارد.

در خصوص تاریخ عشایر فارس، نویسنده از تعدادی اثر به زبان فارسی استفاده کرده است. از جمله جلد نخست «تاریخ مفصل ایران» اقبال^۲ و تاریخ سپهر «ناسخ التواریخ، تاریخ قاجاریه»^۳، از ابوالفضل قاسمی «تاریخ سیاه یا خانواده‌ها»^۴ در ایران^۵ و غیره. شرح مفصل مبارزات عشایر فارس بر ضد انگلیسی‌ها و حکام ایرانی وابسته به آنان در دوره جنگ جهانی اول در دو اثر رکن‌زاده آدمیت به نام‌های «فارس و جنگ بین الملل»^۶ و «دلیران تنگستان»^۷ داده شده است. کتاب اسماعیل نورزاده بوشهری به نام «اسرار نهضت جنوب»^۸ اختصاص به شرح وقایع

۱. بهروزی، شهر شیراز، شیراز ۱۳۳۴.

۲. عباس اقبال، تاریخ مفصل ایران، جلد اول، تهران ۱۳۱۲.

۳. سپهر، ناسخ التواریخ، تاریخ قاجاریه، تهران ۱۲۷۳.

۴. خانواده فتودال‌های بزرگ قوام‌الملک شیرازی، ایلخانان قشقایی و قوام‌السلطنه و نقش آنان در حیات سیاسی ایران مدنظر است.

۵. ابوالفضل قاسمی، تاریخ سیاه یا خانواده‌ها، بدون اشاره به تاریخ چاپ در ایران.

۶. رکن‌زاده آدمیت، فارس و جنگ بین‌الملل، جلد ۱، تهران ۱۳۱۲، جلد دوم، تهران ۱۳۲۷.

۷. رکن‌زاده آدمیت، دلیران تنگستان، تهران ۱۳۱۳.

۸. نورزاده بوشهری، اسرار نهضت جنوب، تهران ۱۳۲۰.

جنوب ایران در ارتباط با نقش ارتجاعی خوانین ایل‌های فارس دارد. در این کتاب اسناد زیادی چاپ شده است: تلگرام‌های رهبران قیام - خوانین جنوب ایران، اطلاعیه‌های ستاد کل ایران، واکنش روزنامه‌ها به این وقایع و غیره. نویسندگان اطلاعات زیادی درباره نقش تحریک‌آمیز و توطئه‌گرانه مرتجعین ایرانی به سرکردگی احمد قوام و امپریالیست‌های خارجی در تظاهرات ایلات جنوب ایران در سال ۱۹۴۶ و همچنین ارتباط خوانین ایلات با احمد قوام و نمایندگان قدرت‌های خارجی می‌آورد.

بسیاری از موضوعات مربوط به اقوام فارس و به‌خصوص نقش آنان در حیات سیاسی - اجتماعی کشور در زمان رضاشاه در دوره جنگ جهانی دوم و پس از پایان جنگ توسط نویسنده، از اخبار مطبوعات ایران استخراج شده است. آمار و اطلاعات مطبوعات ایران طی سال‌های ۱۹۲۹، ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱ از مطالب آرشیو سیاست خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی استفاده شده است. آمار و اطلاعات ایران در سال‌های جنگ جهانی دوم و پس از آن در زمان اقامت نویسنده در ایران در سال‌های ۴۷ - ۱۹۴۳ مورد استفاده وی قرار گرفته است.

بسیاری از اطلاعات جالب و ارزنده درباره عشایر فارس را در یادداشت‌های سفر به فارس و مقالات جهانگردان روس، اروپایی و آمریکایی و مقامات رسمی که از فارس و اقوام فارس دیدن داشته‌اند می‌توان یافت.

اطلاعات در خصوص عشایر فارس مربوط به پایان قرن ۱۹ و آغاز قرن بیستم در مقالات تومانسکی موجود است. («از دریای خزر تا تنگه هرمز و بالعکس، سال «۱۸۹۴ مجموعه موضوعات آسیا»، ۱۹۸۹.... و پ. آ. ریتنیک) «گزارش سفر به فارس و بلوچستان فارس در سال

۱۹۰۰ - ۱۹۰۱».). اگرچه اطلاعات و گزارشات تومانسکی و ریتیک پیرامون ایلات فارس بسیار هم کوتاه است، با این حال به عنوان اطلاعاتی که در محل گردآوری شده، جالب توجه است. اطلاعات کلی و نیز بسیار مختصر درباره ایلات قشقایی در مقاله آ. آ. روماسکوویچ به نام «آوازهای قشقایی» منتشره در «مجموعه موزه مردم شناسی و نژادشناسی آکادمی علوم اتحاد شوروی» جلد پنجم، چاپ دوم، لنینگراد ۱۹۲۵ آمده است. این اطلاعات توسط آ. آ. روماسکوویچ در زمان اقامتش در شیراز بهار و تابستان سال ۱۹۱۴ به دست آمده و به عنوان مقدمه‌ای بر انتشار متن و ترجمه آوازهای قشقایی یادداشت شده توسط وی در شیراز داده می‌شود. شرح مختصر عشایر فارس و نقش‌شان در زندگی این استان در مقاله کوچک ب. م. میلر که در سال ۱۹۰۶ در فارس بوده «قوام کوچ‌نشین فارستان» و «مجموعه شرق» کتاب دوم، ... (۱۹۱۶) و نیز در کار «ن. پ. پاسک» به نام «وضع سیاسی - اقتصادی فارس»، ۱۹۱۱ م. ارائه می‌شود. همچنین لازم به ذکر است که در ادبیات شوروی نیز تاکنون هیچ گونه تحقیق یا مقاله تخصصی در خصوص عشایر فارس انجام نشده است. برخی اطلاعات و ارقام در مورد این مسئله مندرج در نشریات سال ۱۹۳۲ «مجموعه سخنرانی‌های کنسولی (فارس جنوبی)» اقتباس‌هایی از گزارشات نمایندگان کنسولگری شوروی در ایران است. اطلاعات عمومی درباره عشایر فارس، جمعیت و اسکان آنها که عمدتاً مبتنی است بر دانسته‌های دومورینی، کیهان و «مجموعه گزارشات کنسولی» مورد اشاره در مقاله آ. و استروف به نام «ایلات ایران و سیاست قومی دولت ایران چاپ شده در مجموعه» مطالبی در خصوص مسائل ملی - مستعمراتی «شماره ۳۴، ۱۹۳۶ م.

مقادیر قابل توجهی از موضوعات که عمده‌تاً برگرفته شده از مطبوعات ایران در باب قیام‌های قشقایی‌ها و دیگر اقوام فارس در پایان سال‌های ۲۰ و اوایل سال‌های ۳۰ است، در مجله «بولتن مطبوعات خاورمیانه» چاپ تاشکند طی این سال‌ها منتشر شده است. مقاله کوتاه ن. آ. کیسلیاکف درباره قشقایی که در جلد «اقوام آسیایی نزدیک» (۱۹۵۷ م.) چاپ انستیتوی مردم‌شناسی آکادمی علوم اتحاد شوروی در سری «ملل جهان» چاپ شده است.

به‌طور کلی ادبیات مربوط به عشایر فارس به زبان روسی چه قبل از انقلاب و چه در دوره حکومت شوراها بسیار فقیر بوده و محدود به مقالات و رساله‌های کوچک و نیز اطلاعات مروری در کارهای مشترک است.

برای نمونه، همین مشخصه را نیز ادبیات اروپای غربی و آمریکایی راجع به عشایر فارس دارد. از مقالات جداگانه‌ای که اختصاص به عشایر فارس دارد، باید پیش از هر چیز اشاره داشت بر مقاله پایان یافته در سال ۱۹۱۳ رایزن حقوقی دولت ایران، دومورینی ^۱ Les «Tribus du Fars» اطلاعات ارائه شده در مقاله دومورینی درباره اسکان، جمعیت، تقسیمات و شغل عشایر فارس به‌طور عمده مبتنی است بر اطلاعات «فارسنامه» فسایی و اطلاعات شخصی که نویسنده در ایران جمع‌آوری کرده است. این مقاله کوچک دومورینی تا به حال به‌عنوان یکی از مفصل‌ترین شرح‌نامه‌های عشایر فارس در ادبیات اروپایی غربی باقی مانده است. همچنین باید اشاره کنیم به دو مقاله پزشک نظامی انگلیسی،

1. «Revue du Monde Musulman», vol. XXII, 1913, Paris, p. 85-149.

او. گارود^۱ که اوایل سال‌های ۴۰ طی سالیان دراز در فصل کوچ تابستانی و زمستانی در میان ایلات قشقایی بوده است. اطلاعات گزارش شده توسط گارود درباره قشقاییان، گرچه وی در بعضی موارد آمار و اطلاعات نادرستی به دست می‌دهد، ولی دارای ارزش زیادی است. برای مثال وی می‌گوید (The Nomadic tribes of Persia today) که در سال‌های جنگ جهانی دوم در تهران گویا وزارت امور عشایری تشکیل شد، در حالی که چنین نبوده است.

اطلاعات جالبی از اقوام قشقایی را ماریاترزا اولنس دو شوتن در کتابش درباره قشقایی‌ها می‌آورد که حاوی خاطرات دو سفر نویسنده به میان عشایر قشقایی در بهار سال ۱۹۵۳ به منطقه فیروزآباد و مرکز کوچ زمستانی و منطقه کوچ تابستانی این عشایر می‌باشد.^۲ گرچه اولنس دو شوتن تقریباً به‌طور کامل مسئله تضادهای اجتماعی در میان ایلات قشقایی را نادیده گرفته و نظم اجتماعی موجود در بین قشقایی‌ها و حکومت خوانین را ایده‌آل جلوه می‌دهد. با این حال اطلاعاتی که در خصوص ترکیب، جمعیت و نحوه زندگی قشقایی‌ها، وضعیت زنان و غیره ارائه می‌دهد، به‌عنوان یک شاهد عینی، ارزشمند است.

برخی از اطلاعاتی که عضو دادگاه عالی آمریکا، او. داگلاس درباره قشقایی‌ها در کتاب حاوی شرح سفر خود به قشقایی در سال ۱۹۵۰

1. «Journal of the royal central asian Society»: 1) «The Nomadic tribes of Persia today», 1946, Jan., vol. 33, pt. 1. p. 32-46; 2) «The Qashqai tribe of Fars», 1946, July-oct. vol. 33, pt. 3-4, p. 293-306.

2. M. T. Ullens de Schooten. Lords of the Mountains. Southern Persia and the qashqai tribe. London, 1956.

گزارش داده بسیار ارزشمند است.^۱

مؤلف همچنین از سفرنامه‌های دیگر جهانگردان اروپای غربی و آمریکایی و مقامات رسمی که در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ از فارس دیدن کرده‌اند هرچند اطلاعاتی مختصر از اقوام فارس می‌باشد نیز استفاده برده است. (آبوت، فلاندن، دوپیره، کرزن، پاین، آوری و غیره)^{۲ تا ۷}

مؤلف همچنین از مقالات و. و. بارتولد در خصوص قشقای‌ها، و. اف. مینورسکی درباره لرها، منتشره در «دایرةالمعارف اسلامی»^۸، اطلاعات مردم‌شناس معروف آمریکایی ه. فیلد^۹ درباره اقوام فارس، کتاب آ. لامبتون^{۱۰} که سرشار از مطالب واقعی جمع‌آوری شده در محل پیرامون کشاورزی و روابط ارضی است و دیگر کارها و مقالات مربوط به

1. W. Douglas. Strange lands and friendly people. London, 1952.
2. Keith E. Abbot. Notes taken on a Journey eastwards from Shiraz to Fessa and Darab, then westwards by Jehrum to Kazerun in 1850. «Journal of the royal Geographical Society». London, vol. XXVII, 1857.
3. E. Flandin. Teheran, Ispahan, Chiraz et le Colfe Persique, 1851.
4. A. Dupré. Voyage en Perse fait dans les années 1807, 1808 et 1809, vol. II, Paris, 1819.
5. G. Curzon. Persia and the Persian Question, vol. I-II. London, 1892.
6. R. Payne, Journey to Persia. Melbourne, 1951.
7. P. W. Avery. By car from Shiraz to Khuzistan. «Royal Central Asian Journal», vol. XLVI, pt. III-IV, 1957.
8. «Encyclopedie de l'Islam». vol. II, p. 837; vol. III, p. 43 etc.
9. H. Field. Contribution to the Anthropology of Iran. Chicago, 1939.
10. A. K. S. Lambton. Landlord and Peasant in Persia. London, 1953.

عشایر فارس بهره گرفته است.

مؤلف به این امر واقف است که این کار صرفاً تلاش اولیه در زمینه تحقیق و تفحص و روشن کردن مسئله کاملاً بغرنج ایلات فارس می باشد. بسیاری از جوانب مهم این مسئله تا به حال کاملاً روشن نشده است. مشکل تحقیق درباره این مسئله به خصوص به سبب فقدان هرگونه آمار دقیق از اقوام و عشایر بزرگ است. اما مؤلف با این حال امیدوار است که این کار در شکل ارائه شده بتواند برای هرکس که به مسائل عشایر علاقه مند است، قدری مفید باشد.